

از کودک برای بزرگسال

نگاهی به کتاب «آرزوهای بزرگ کودکان» و مخاطبانش

شهناز آزادی

نام کتاب: آرزوهای بزرگ کودکان
(از سری مجموعه‌ی حرف‌های کودکان - ۱)
گردآورنده، تصویرگر، صفحه‌آرا و طراح جلد:
نگار حقانی ذبیحی
قطع: جیبی
نوبت چاپ: چاپ دوم، بهار ۱۳۸۷
شمار صفحات: ۸۰ صفحه
ناشر: نشر گل آفتاب
شمارگان: ۲۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۲۰۰ تومان
گروه سنی اعلام‌شده: ب - ج



مخاطب کیست

مخاطب کتاب‌هایی که «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان» اند، کیست؟ پیش از پاسخ به این پرسش، نخست لازم است توجه کنیم که چه آثاری در حوزه‌ی آثار «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان» قرار دارند. شاید فهرستی از این آثار، ستونی بلند بالا را به خود اختصاص دهد. اما بیان چند مورد از این مصداق‌ها موضوع را برای یافتن دیگر موارد این فهرست، روشن می‌کند. «روانشناسی کودک» و مسایل رفتاری کودکان از جمله دانش‌هایی است که مخاطب بزرگسال دارد. جامعه‌شناسی کودکان، تخصص‌های پزشکی کودکان، شهرسازی و ساختن محیط‌ها و فضاهای شهری برای کودکان، دانش تعلیم و تربیت، مدیریت مراکز آموزشی کودکان و این‌گونه دانش‌ها و فنون، درباره‌ی کودک و برای بزرگسالان‌اند. به همین ترتیب شناخت نقاشی‌ها و دیگر آثار هنری و ادبی کودکان و بررسی‌ها و تحلیل‌های گوناگون بر روی آن‌ها کاری بزرگسالانه است.

از همین چند نمونه می‌توان دریافت که تولیداتی دیداری، شنیداری یا نوشتاری بر پایه علوم، فنون و هنرهایی که «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان» اند، مخاطب بزرگسال دارند. به عنوان نمونه، اگر شما مجموعه‌ای از کاریکاتورهای کودکان را در کتابی گرد آورید تا دیگران از ویژگی‌های کاریکاتورهای کودکان و در نتیجه نوع نگاه و نگرش کودکان به جهان اطرافشان با خبر شوند، مخاطبان اثر شما بزرگسالان خواهند بود.

بنابراین پاسخ پرسش نخستین چنین می‌شود: مخاطب کتاب‌هایی که «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان» اند، بزرگسالان‌اند.

مخاطب چه کسی نیست؟

حال جای طرح پرسش دیگری است. آیا مخاطب کتاب‌هایی «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان»، کودکان هم می‌توانند باشند؟

پاسخ این پرسش به صراحت چنین است: مخاطب کتاب‌هایی «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان»، نه تنها کودکان نیستند، بلکه حتا در اغلب اوقات، صلاح نیست که کودکان این گونه کتاب‌ها را ببینند یا بخوانند.



شاید با ذکر یک مثال، بتوان علت چنین حکمی را بیان کرد. دور نرویم. همین کتاب حاضر که مورد بررسی ما نیز هست، می‌تواند شاهی بسیار مناسب برای صحت این ادعا باشد.

کتاب «آرزوهای بزرگ کودکان» چنان که گردآورنده و تصویرگر آن در مقدمه‌ی کتاب می‌نویسد، حاوی «تعداد اندکی از آرزوهای بزرگ کودکان در رده سنی ۷-۱۲ سال است که با دستخط زیبایی [!؟] آن‌ها نوشته شده است و از میان حدوداً ۴۰۰۰ نمونه سؤال شده در شهر مشهد، انتخاب و تنظیم شده است».

در واقع مؤلف از بچه‌ها خواسته است که آرزوها یا آرزوهای بزرگ‌شان را بنویسند و آن‌ها نوشته‌اند و کتاب حاضر، حاوی شماری از این آرزوها با دستخط بچه‌ها است. آن‌گاه تصویرگر، در برابر بیشتر دستخط‌ها و در صفحه‌ی مقابل آن‌ها، طرحی را به تصویر در آورده است.

پیش از این گفتیم که مخاطب این آثار

بزرگ‌سالان‌اند. اکنون با مروری اجمالی بر همین دستخط‌ها به علاوه‌ی اطلاعاتی که درباره‌ی دیگر آثار «درباره‌ی کودکان» یا «درباره‌ی آثار کودکان» داریم، به دلایل زیر نتیجه می‌گیریم که مطالعه‌ی این کتاب‌ها نه تنها برای کودکان نباید توصیه شود بلکه گاه اکیداً برای آن‌ها ممنوع است و به صلاح آن‌ها نیست که چنین کتاب‌هایی را ببینند یا بخوانند:

۱. ناخوانایی دستخط کودکان. دستخط کودکان اغلب خوب نیستند و گاه به دشواری خوانده می‌شوند. مطالعه و درک مفهوم این دستخط‌ها برای کودک دشوار است و او برای مطالعه‌ی این نوع نوشته، والدین یا مربیان را به کمک فراخواهد خواند. در همین کتاب، مواردی از دشواری خوانی را می‌توان دید.

۲. غلط‌های املائی. دست‌نوشته‌های کودکان گاه دارای اغلاط املائی است که نه تنها خواندن را دشوار می‌کند بلکه بدآموزی در نگارش را برای کودک دارد. در کتاب حاضر، اغلاط املائی فراوان مشاهده می‌شود، مانند:

«سوات» (سواد)، «معمور» (مأمور)، «عسدی» (اسدی)، «عذیت» (اذیت)، «علنگو» (النگو)، «نقره‌عی» (نقره‌ای)، «یک آلمه» (یک عالمه)، «سپاس‌گذاری» (سپاس‌گزاری)، «جملنویسی» (جمله‌نویسی)، «برآورده» (برآورده)، «تلائی» (تلائی)، «به شوم» (بشوم)، «اوز» (عوض)، «مانت» (مانتو)، «لتفا / لتفن» (لطفاً)، «نمی‌رد / نمی‌رند» (نمیرد / نمیرند)، «اقل» (عقل)، «فوش» (فحش)، «دوا» (دعوا)، «هرف» (حرف)، «فد» (فوت)، «رُج لب می‌خام» (روژ لب می‌خوام) (توجه کنید که واژه‌ی «روژ» (rouge) که فرانسوی است و به معنی «سرخ» و «سرخ» است، به دلیل عدم اطلاع از تلفظ درست آن (روژ) به صورت غلط عامیانی «رُز» تلفظ شده و آن‌گاه به صورت‌هایی غلط‌تر مانند «رُج» در آمده است).

ملاحظه می‌شود که انتقال این صورت‌های نوشتاری به چشم و مغز کودکان، دشواری‌های بعدی را برای زدودن این اغلاط از حافظه‌ی آن‌ها در پی خواهد داشت.

۳. غلط‌های دستوری. در نوشته‌های کودکان غلط‌های دستوری دیده می‌شوند و کودکان دیگر را به نگارش‌های غلط می‌کشاند. به این نمونه‌ها توجه کنید:

«... من آرزو دارم که برام یک ماشین کنترلی.. برآورده بشه...» (ص ۱۴)

«من دوست دارم وقتی بزرگ شدم... اسم دخترم را... می‌گذارم [.]» (ص ۴۶)

«من آرزو دارم که مهندس کامپیوتر بشوم تا برای بچه‌هایم خوش بگذره و...» (ص ۵۲)

«آرزو دارم لتفاً [لطفاً] وقت امتحان را زیادتر کنید [.]» (ص ۶۳)

۴. **ضعف هنری.** نقاشی کودکان به دلیل عدم آشنایی آن‌ها با اصول نقاشی، اغلب، کارهایی ضعیف است. خط آن‌ها نیز معمولاً زیبا نیست. بنابراین نباید آن‌ها را به عنوان الگو یا بستر مطالعه‌ی بصری یا مشق نظری پیش روی کودکان قرار داد. در هر حال، چشم آن‌ها خواه ناخواه از این تصاویر عکس می‌گیرد.

۵. **اطلاعات زود هنگام یا نابه‌جا.** آگاهی کودک از کتاب‌های بزرگسالان همواره با احتیاط‌هایی باید همراه باشد. به ویژه در مسایل تربیتی و روانشناسی کودک، گاه مواردی یافت می‌شوند که آگاهی کودک از آن‌ها مانع اجرای تدبیرهای تربیتی و آموزشی از سوی والدین و مربیان خواهد بود.

۶. **کاهش سطح خواست‌ها و اندیشه‌ها.** مطالعه‌ی برخی از نوشته‌های کودکان از سوی کودکان دیگر، گاه ممکن است مایه‌ی فروکاستن از سطوح متعالی‌تر نیازها و خواست‌ها و فرو افتادن به گودال نیازها و خواست‌های پست‌تر باشد. به این نمونه‌ها توجه کنید:

«من آرزوی [[آرزو]] دارم دیگه مدرسه نرم چون دیگه سوات [[سواد]] دارم و همه‌ی حروف الف با [[الفبا]] را بلدم [[.]]» (ص ۱۲)
«دوست دارم خیلی پول دار [[پولدار]] به شوم [[شوم]] تا بچه‌های کوچی به من احترام بگذارن [[.]]» (ص ۳۸)

«من آرزو دارم که پدر بزرگم یک پژوی جی ال بخرد و ما از جایزه‌ی تبرک و گلریز و نخودی و چی توز پولدار بشیم و ماشین و خانه برنده بشیم [[.]]» (ص ۴۷)

«من آرزو دارم که... برای بچه‌هایم ماشین و توپ و هر چه که بخوان بخرم تا از من خوششون بیاد [[.]]» (ص ۵۲)

۷. **آموزش دیگر آزاری و حسادت.** فروخواهی، حسادت،

دیگر آزاری و مبارزه‌ی منفی با واقعیت‌ها یکی از پیام‌هایی است که گاه در برخی از نوشته‌های کودکان به چشم می‌خورد. مطالعه‌ی این موارد از سوی کودکان ممکن است مایه‌ی انتقال نگرشی نادرست به آن‌ها شود. برای نمونه:

«بهترین آرزوی من اینه که وقتی خواهرم به دنیا اومد اسمش را سفید برفی بذاریم تا جادوگر بدجنس به او سیب سمی بدهد.» (ص ۱۱)

«من آرزو دارم [دارم] دکتر بشم برای این که بچه‌ها را آمپول بزنم [[.]]» (ص ۱۶)

«من می‌خوام خانم بهداشت [،] خودم را معمور [[مأمور]] بهداشت کنه و شیرین عسدی [[اسدی]] دیگه معمور [[مأمور]] بهداشت نباشه [[.]]» (ص ۲۰)

«من دوست دارم که هر چی می‌خوام مامان و بابام برام بخرن و اگر مامانم و بابای من این کار را بکنند من هم به هرف [[حرف]] آن‌ها گوش می‌کنم و شاگرد اول می‌شوم.» (ص ۵۵)

فواید این کتاب‌ها برای بزرگسالان

فواید بسیار این گونه کتاب‌ها که حاکی از درونیات کودک‌اند، برای آگاهی بزرگسالان از نظر پوشیده نیست. این آثار می‌توانند انگیزه‌ها، بسترها، زمینه‌ها و مطالعاتی موردی برای بررسی‌ها و پژوهش‌های روانشناختی، مردم‌شناختی، جامعه‌شناختی، فرهنگ‌شناختی

و شناخت وضعیت اقتصادی و فضای زیستی، آموزشی و تربیتی خانه، مدرسه و جامعه باشند.

به این نمونه‌ها توجه کنید:

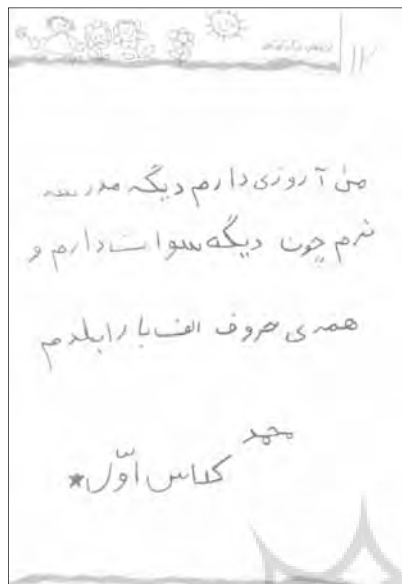
«آرزو دارم خودکاری داشتم که تمام مشق‌هایم را برابم می‌نوشت چون بدون مشق هم آدم درس را یاد می‌گیرد

[[.]]» (ص ۱۰)



«خداجون [!] آرزو می‌کنم که مادرم با مادرشوهرش آشتی کند و این قدر قهر نکند و مادرم با مادرشوهرش خوب و مهربان باشد.» (ص ۱۵)

(توجه کنید که براساس ذهنیت نادرستی که مادر در فرزند ایجاد کرده است، فرزند به جای تعبیر «مادربزرگم» از تعبیر «مادر شوهرش» استفاده می‌کند.)



«من فقط آرزو می‌کنم که یک بار به تنهایی برم حمام [.]» (ص ۳۲)

«من آرزو دارم یک معلم مهربان باشم و با شاگردهایم خوب باشم و اگر مثلاً فقط یک مشق نداشتند بگم خب می‌توانی مشقت را فردا بیاوری [.]» (ص ۴۲)

«من آرزو دارم که با مادر خودم زندگی کنم. آرزو دارم که پدرم خوش اخلاق باشد. دوست دارم که با پدر و مادرم در یک خانه زندگی کنیم.» (ص ۶۸)

«من یک آرزویی که دارم اینه که مامانم بتونه تو کلاس پیش من بنشیند [.]» (ص ۷۶)

البته بزرگسالان استفاده‌های دیگری از این کتاب‌ها نیز می‌توانند بکنند از جمله این که برخی از نوشته‌های کودکان برای آن‌ها خنده‌آور و مایه انبساط خاطر است:

«... آرزو می‌کنم مامان و بابا و خانوممون تا آخر عمرشون زنده باشند [.]» (ص ۲۴)

«... آرزو دارم... بزرگ شوم... و بعد از چند روزی که کارم رونق پیدا کرد، پدر و مادرم برای من به خواستگاری بروند تا پیروز شوم...» (ص ۵۸)

«من از خدا می‌خواهم که لطفن [لطفاً] یک اقل [عقل] درست حسابی بدهد تا من در حل کردن ریاضی گیر نکنم [.] مرسی [.]» (ص ۶۷)

«من آرزو دارم که خدا همه‌ی مردگان را به راه راست هدایت کند...» (ص ۷۸)



برای بزرگسال در فضای کودکانه

اکنون معلوم شد که این کتاب، تنها مخاطب بزرگسال دارد. به همین دلیل نویسنده‌ی فهرستبرگ کتاب، اشتباه کرده است که آن را کتاب کودکانه فرض کرده و مخاطب کتاب را در فهرستبرگ، «گروه سنی: ب، ج» آورده است.

با این تشخیص، نقد و بررسی این کتاب و کتاب‌های مشابه، از متن گرفته تا تصویرگری و صفحه‌آرایی همواره باید همانند کتاب‌های بزرگسالان صورت بگیرد. در این کتاب نقش مؤلف و تصویرگر، عبارت بوده است از:

- پیشنهاد، طراحی و گردآوری آرزوهای جامعه‌ی نمونه‌ای از کودکان ایران به صورت دستنوشته.
- گزینش ۵۶ دستنوشته از میان آن‌ها.
- تصویرگری برای برخی از آن‌ها.
- صفحه‌آرایی و طراحی جلد کتاب.
- نگارش مقدمه‌ای برای کتاب.

بنابراین با این نگاه که خواننده و بیننده‌ی بزرگسال، مخاطب این کتاب باید باشد، اینک به بررسی اجمالی کار میدانی و گزینشی و جلوه‌های بصری کتاب (تصویرگری، صفحه‌آرایی، طراحی جلد و خط کودک به عنوان عنصری بصری) می‌پردازیم.

گردآوری و گزینش

پیشنهاد، طراحی و گردآوری دیدگاه‌های دست‌نوشته‌ی جامعه‌ی نمونه‌ای از کودکان ایران از این رو ارزشمند است که پرداختن به کودک از زاویه‌ی آرزوهای آن‌ها، کمک به مربیانی است که می‌خواهند دیدگاهی جامع نسبت به مسایل کودک داشته باشند و مسئولانه با آن برخورد کنند. بسیار بجاست که این گونه پروژه‌ها دامنه‌دار شوند و با نگرشی ژرفتر و با تحلیل‌های آماری در جای جای مدارس کشور به اجرا در آیند تا مجموع کار به نتایج واقعی‌تری منجر شود.

اما در زمینه‌ی تدوین آن یا تدوین گزینه‌ای از آن در قالب کتاب بهتر است گونه‌ای دسته‌بندی میان نوشته‌ها صورت گیرد. در این دسته‌بندی بهتر است خواست‌های فانتزی کودک، از خواست‌هایی که ریشه در نابسامانی رفتاری تحمیل شده به کودک دارد، جدا شود. این گونه کتاب‌ها بهتر است در دو یا چند بخش و هر بخش با تصویرگری‌های مناسب محتوای مطالب (طنزگونه یا غیرطنز) ارائه شوند.



تصویرگری و طراحی

طبیعی است از آن‌جا که موضوع کتاب، آرزوهای کودکان است، طراحی و صفحه‌آرایی نیز متناسب با محتوای کتاب در فضای کودکانه صورت گیرد تا بزرگسال خواننده‌ی کتاب، خود را در این فضا احساس کند و گونه‌ای همدلی و احساس مشترک میان او و محتوای کتاب پدید آید.

تصویرگری‌های این کتاب برای تنها برخی از آرزوهای بچه‌ها پدید آمده و روبه‌روی دست‌نوشته‌ی آن‌ها قرار گرفته است. سبک تصویرگری، طنز تصویری (کاریکاتور) و کودکانه و تکنیک آن کلاژی از پارچه، گونی، کاغذ و روزنامه در کنار خطوطی با ماژیک و مداد و برش‌هایی از کاغذ آبرنگ است.

در این کلاژها پوست انسان‌ها (صورت، دست‌ها، تن) با روزنامه، آن هم روزنامه‌ی خاص بزرگسالان کار شده است.

البته استفاده از روزنامه‌ی مخصوص بزرگسالان شاید برای طنز موضوعی بزرگسال گزینش‌های درست باشد اما برای مجموعه‌ای گردآوری‌شده از آثار دست‌نوشته‌ی کودکان، گزینش‌های متناسب با محتوای اثر نیست. بهترین حالت این بود که از متونی کودکانه — مانند نشریات کودکان — استفاده می‌شد. در انتخاب متن نشریات برای کلاژ نیز موضوع‌ها و زمینه‌های نوشته‌های نشریات، متناسب با موضوع‌ها و زمینه‌های نوشته‌های کودکان — چه به طنز و چه غیرطنز — در نظر گرفته می‌شد. برای مثال، آن‌جا که آرزوی کودک پزشک شدن بود، طراح از بریده‌های اخبار یا دیگر نوشته‌های پزشکی یا بهداشتی بهره می‌گرفت. در همین مجموعه از تصویرگری‌ها گاه خبرهایی موضوعی — مثلاً پزشکی یا بهداشتی — را می‌بینیم که در تصاویر مربوط به موضوع‌هایی دیگر کار شده‌اند و تصاویر موضوع‌های مرتبط با پزشکی یا بهداشتی دارای روزنامه‌هایی با موضوع‌هایی دیگرند. برای نمونه به صفحات ۸، ۱۶، ۲۰، ۲۸ و تصویرهای مربوط به آن‌ها نگاه کنید.



گاه نیز اصل نوشته‌های کودکان و تلقی آن‌ها از مسایل، دستمایه‌ی خوبی برای یک طراحی طنزگونه است اما تصویرگر که در این‌جا باید

نقش منتقد داشته باشد، با جدیت تمام به تأیید پرداخته و گویی پارادوکس یا متناقض‌نمای دست‌نوشته‌ی کودک را در نیافته است. به عنوان نمونه نوشته‌ی «محمد» در صفحه‌ی ۱۲ چنین است: «من آرزوی [[آرزو]] دارم دیگه مدرسه نرم چون دیگه سوات [[سواد]] دارم و همه‌ی حروف الف با [[الف]] را بلدم.»

حال به تصویر مربوط به آن در صفحه‌ی ۱۳ توجه کنید: کودکی است که یک صفحه دیکته‌اش را در دست گرفته است

و به شما نشان می‌دهد. متن دیکته چنین است:

بابا من را از مدرسه آورد.

ماملن در را باز کرد *

گاو - شتر - درمان

ه. ه. ه

۶ + ۵ = ۷

این دیکته‌ی بی‌غلط نمره‌ی «۲۰ - هزار آفرین پسر گلم» گرفته است. پشت سر تصویر پسرک هم بر دیوار، کاغذی چسبیده است که «صد آفرین» درشتی بر بالای آن دیده می‌شود.

این تصویر هیچ مایه یا درونمایه‌ی طنز ندارد با آن که ادعای «سوات» داشتن کودک‌کی که در سه خط نوشته‌اش سه غلط وجود دارد، عین طنز است.

در واقع، تصویرگر نه تنها ادعا و آرزوی اشتباه کودک را صحنه گذاشته، بلکه به آن امتیاز «۲۰ - هزار آفرین پسر گلم» داده است. به این هم اکتفا نکرده و تشویق دیگری هم پشت سر تصویر پسرک گذاشته است.

این چه پیامی دارد؟ آیا معلم (به عنوان نماد و نماینده‌ی نظام آموزشی ما) به ادعا و آرزوی واهی کودک نمره‌ی ۲۰ می‌دهد؟

کافی است متوجه باشیم که رسالت تصویرگر در اینجا بازنمایی و تأیید افکار واهی کودک نیست بلکه او باید به گونه‌ای طنزآمیز، طعنه به افکار اشتباه او بزند. با این کار، هم مخاطب بزرگسال را درگیر کند و هم کودک و کودکان بزرگسال را متوجه اشتباه خویش سازد. این پیام کاریکاتور است.

برای برخی از خواسته‌ها و آرزوهای کودک - مانند داشتن روژ لب در کودک‌کی (ص ۷۲) یا ریش و سبیل طلایی در بزرگسالی (ص ۵۶) - نیز طراح، کاری جز بازنمایی نکرده است و حسی را به بیننده‌ی بزرگسال القا نمی‌کند.

البته از قاعده‌ی انصاف بیرون نباید رفت که کار مؤلف کتاب در مجموع، کاری درخور توجه است. کمک گرفتن از تکنیک کلاژ برای تصویرگری نیز استفاده‌ای هوشمندانه است و در هماهنگی با موضوع - گزینش و انتخاب آرزوهای کودکان - قرار دارد.

صفحه‌آرایی و طراحی جلد

از آن‌جاکه این کتاب جمع‌آوری بخشی از دست‌نوشته‌های کودکان در موضوع آرزوهای آنان است و بیشتر جنبه‌ی طنز آن نیز غالب است، استفاده از عنوانی متفاوت از نوع دستخط کودک یا در تضاد با آن برای روی جلد و صفحه‌ی معرفی، چندان پذیرفته نیست. صفحه‌ی شناسنامه هویتی متفاوت از دیگر صفحات دارد و تنها یک نخ کاموا به عنوان عنصر (المان) تصویری در آن دیده می‌شود. صفحه‌ی فهرستبرگ، هم یک صفحه‌ی معمولی و عاری از المان‌های کودکانه و هم جدا از کل صفحات است. تنها صفحه‌ای که جای دارد در آن از فونتی مخصوص بزرگسالان استفاده شود، همین صفحه‌ی مقدمه است که استفاده درستی هم از آن شده است. بر بالای صفحات دست‌نوشته‌های کودکان نیز طرحی سیاه و سفید و کودکانه به عنوان سرصفحه می‌بینیم.

صفحه‌آرایی این کتاب در مجموع یک کار معمولی و ساده است و کاری برای ارائه مناسب و مرتبط تصویر و متن در آن نشده است. مثلاً ارتباط دو صفحه‌ی روبه‌رو که در یکی متن دست‌نوشته کودک و در دیگری تصویر قرار دارد، به گونه‌ای است که گویی تصاویر به شکلی مبتدی در صفحه‌ی مقابل چسبیده‌اند و یا با آن طرح‌های خاکستری زمینه که در بالا و پایین کادر هر صفحه تکرار شده است، ارتباطی همگن ندارد و از آن‌ها جدا افتاده‌اند.

خط کودک و نقش تصویر

چنان که گفته شد، دستخط کودک - به خلاف نوشته‌ی مؤلف در مقدمه‌ی کتاب - اغلب زیبا نیست. این که کودک در بیان احساس و افکار خویش چه در نقاشی و چه در نوشتار، خود را سانسور نمی‌کند و این ناشی از صداقت اوست، ربطی به زیبایی یا نازیبایی خط وی ندارد. بیان واضح احساسات از سوی کودک - که همیشه هم منش خوبی به حساب نمی‌آید - با دریافت‌های کودک و نحوه‌ی آموزش وی در خانواده و یا جامعه‌ی بهنجار یا نابهنجار شکل می‌گیرد. بزرگسالان با بررسی نوشته‌ها و آثار هنری کودک، از زوایای فکری و روانی او آگاهی می‌یابند و ویژگی‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی او را به تماشا می‌نشینند. این، چراغ‌های هشدار مسئولیت را در مخاطبان بزرگسال روشن می‌کند.

بنابراین تصویرگری کتابی که مجموعه‌ای از خواسته‌های کودکان گروه سنی مشخصی را در بر دارد، متناسب با وظیفه‌ی طراحان کاریکاتوریست است تا این هشدارها را با طنز و طنز تلخ بزرگنمایی کنند شاید به گوش آنانی برسد که چشم و گوش به این فریادهای کودکان بسته‌اند.